

بمناسبت حمله و اشغال دبیر خانه حزب توده ایران

حزب توده ایران

دیروز، روز سیام تیرماه، سالروز قیام متحد نیروهای خلق و یویژه عمل متحد توده ایها و مبارزان مذهبی علیه توطئه آمریکایی انگلیسی در بار طغوت، دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و مرکز سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران مورد حمله و ویرانی قرار گرفت.

ظاهر مسئله چنین است که آقای هادی غفاری به «استاد» گفته امام درباره تشدید مبارزه انقلابی با ضد انقلاب سازشکاران و تسلیم طلبان گروهی از مردم را برای این حمله تحریک نموده و نقشه ای را که از مدت ها پیش آماده شده بود مرحله اجرا در آورد. ولی بنظر ما ماهیت واقعی این رویداد بمراتب عمیق تر از این «ظاهر» است.

واقعیت امر اینست که این حمله درست در لحظه ای انجام گرفت که یکی از خطرناکترین توطئه های امپریالیسم جهانی صهیونیسم و ارتجاع منطقه ضد انقلاب ایران به سرکردگی شیطان بزرگ آمریکایی جهانخوار در هم شکسته شده است و در ارتباط با این پیروزی انقلاب ایران روشن شده است که امپریالیسم آمریکا و عمالش ناپذیرترین نیروی جبهه دشمنان خود یعنی جبهه نیروهای راستین انقلاب ایران میدانند و باز هم روشن شده است که حزب توده ایران نه تنها در تبلیغات و عملکرد سیاسی خود همواره با صداقت و بیگیری از انقلاب شکوهمند تاریخی ایران و از جمهوری اسلامی ایران و دستاورد های آن پشتیبانی کرده بلکه در عمل و حتی در شرایط بسیار دشوار و با امکانات بسیار محدود سهم موثری در مبارزه با توطئه های رتگارتک ضد انقلاب داشته است.

حمله به حزب توده ایران درست در لحظه ای صورت گرفته که حزب برای مقابله با توطئه وسیعتر و خطرناکتری علیه انقلاب کشور، که در شرف تکوین است اعلامی خود را برای گشتن همه امکانات خویش در اختیار مقامات مسئول جمهوری اسلامی اعلام داشته است.

حمله به حزب توده ایران درست در آن لحظه ای صورت گرفته که حزب طی فراخوان خود به همه افراد و هواداران حزب رهنمود داده است که برای آمادگی در جهت شرکت در دفاع از توطئه خود را در اختیار سازمان بسیج قرار دهند و هر ماموریتی را در این ارتباط بپذیرا شوند.

با توجه باین واقعات غیر قابل انکار این پرسش پیش می آید که چرا در جهت تحقق این حمله علیه حزب، سازمان داده شده و بوقوع اجرا گذاشته شده است؟ این پرسش پیش می آید که چه دستهایی در طرح این نقشه دخالت داشته و چگونه این نقشه بدست گروه معینی پیاده شده است؟

بنظر ما بررسی همه جانبه از رویداد دیروز در ارتباط با واقعات سیاسی ماههای اخیر و یویژه با در نظر گرفتن ترکیب سیاسی افرادی که در حمله دیروز شرکت داشته اند، به وجود ۳ عنصر ۳ انگیزه پی میبریم

اول = انگیزه سالم ولی نا آگاه و آلت دست

این انگیزه افراد مدعو و مسلمان معتقدی است که از جریان سیاست بنوع کثورما در مرحله کنونی آگاهی و شناخت کافی ندارند و تنها به تبعیت از احساسات مذهبی خود به آسانی در چاله هایی می افتند که دشمن بر سر راه آنها می کند و با در ماجرائی می گذارند که ظاهرش مبارزه برای «تحکیم اسلام و قطع و قطع کفر» است ولی در عمل به تشییع توطئه های یهودی و ارتدادی است.

شرایط برای موفقیت توطئه های یهودی و ارتدادی است که امریکا و سرسپردگانی مانند اویسی و بختیار کنگ میرساند دشمن حمله که تاکنون به حد اعلا از این نا آگاهی بهره گیری کرده و در آینده هم خواهد کرد.

دوم = انگیزه کوتاه بینانه ناشی از ترس و رقابت سیاسی

همه میدانند که سیاست درست حزب توده ایران در زمینه اتحاد عمل همه نیروهای هوادار انقلاب ایران و یویژه در زمینه ایجاد شرایط لازم برای تأمین همکاری نیروهای انقلابی متحد مسلمان و نیروهای انقلابی راستین هوادار سوسیالیست علی در سطح کشور و در سطح سیاست خارجی ایران از یک سو و درست در آستان بساری از پیشانی ها و پیشاهادهای حزب ما از سوی دیگر موجب بالارفتن نفوذ و اعتبار سیاسی حزب توده ایران شده است.

انحصار طلبان به اهمیت تاریخی این همکاری در جریان راستین انقلابی در درددل به دشمنی که هر روز توطئه جدیدی را در تئیمید می کند نه واقفند و نه معتقد. از بالا رفتن اعتبار سیاسی حزب مسا بوخت افتاده و در دام این وحشت دچار ناپیدائی شده و دشمن اصلی را فراموش کرده و دشمنی و قدره خود را در آآن سستی نگار می اندازند که دقیقاً دشمن خواستار است، این گروهها و عناصر همیشه در تلاش بوده و هستند که با توسل به شوهرهای خوشونت آمیز افرادی فمالیت علنی و قانونی حزب ما را فریب میزنند و تصور اینکه از این راه «دقیقی» را از میدان بدر کنند.

سوم = انگیزه و عمل خصمانه و آگاه عناصر ضد انقلاب

همانطور که ما همواره تأکید کرده ایم بنظر ما و با اطلاع دقیق از مراکز فعالیت ضد انقلاب در داخل و خارج کشور در تمام تشنجات اجتماعی که در ماههای اخیر بوقوع پیوسته ضد انقلاب از راه عناصر خود که در تمام نهادها و سازمان های سیاسی وارد ساخته است بطور موفقی و تمهید گشته دست داشته است. امیران نظامها در همه جا و همه قیافهها مشغول عمل هستند.

ما دور از آن هستیم که بدون دلیل ادعا کنیم آقای هادی غفاری که گرداننده و ترتیب دهنده حمله به دبیر خانه حزب توده ایران است عامل ضد انقلاب است و بربط دستور آن عمل میکنند. مادیلی برای چنین ادعائی نداریم. ولی ما بطور مسلم میدانیم که حمله به حزب توده ایران و توطئه همگامی که ساختن فعالیت حزب، یویژه در ماههای اخیر درست بعلت سهم فعال حزب، در مبارزه با توطئه های ضد انقلاب که مقامات مسئول جمهوری اسلامی از آن اطلاع دارند، یکس از هدفهای اساسی و عمده ضد انقلاب در خارج و داخل کشور بوده و هست. برای این ادعا، دلایل غیر قابل تردید در دست داریم. اگر توطئه کودتائی ضد انقلاب بوقوع پیوسته بود، هدف جنایت بار اولین کشتار وحشیانه این توطئه همان طور که بختیار خاکن باصراحت بیان داشته روحانی مبارز و مسئولین حزب توده ایران بوده اند.

چهارم = انگیزه پستی و خوارانه و ترس از اقدامات اساسی

ما نیز در تجربیات و یادآستان و همچنین افکارهای وابسته و گروههای آمریکایی در این جنبه به بهترین وجهی نشان دهنده عمل ضد انقلاب در توطئه میباشد. اینها اجرا کننده توطئه های بزرگیست، دهن توطئه های امپریالیسم و ضد انقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران هستند و همواره آنرا پیاده میکنند.

حزب توده ایران هم مسئولان آگاه جمهوری اسلامی ایران را مخاطب قرار میدهد و هشدار میدهد نگذارند این توطئه گران نقشه های شوم خود را عملی سازند.

رهبری حزب توده ایران و افراد و هواداران با هیچ دسیسه و توطئه ای از راهی که با اعتقاد کامل در جهت پشتیبانی از انقلاب شکوهمند میهنان در جهت مبارزه علیه دشمنان این انقلاب بس کرده امپریالیسم آمریکا برگزیده اند و روگردان نخواهند شد ولی موفقیت اینکه توطئه های ضد انقلاب که بتواند بخشی از نیروهای انقلابی را با ازبچه خود کند و به چنین اقداماتی وادارد مرد بسیاری را از انقلاب مایوس و روگردان خواهد کرد. نگذارند ضد انقلاب شاد گردد. حزب توده ایران امیدوار است که مقامات مسئول جمهوری اسلامی هر چه زودتر این گونه اقدامات انجام دهنده را مهار کنند و با تصمیمات جدی و فوری امکان فعالیت قانونی و آزاد حزب توده ایران را تأمین نمایند.

چهارم = انگیزه پستی و خوارانه و ترس از اقدامات اساسی

ما نیز در تجربیات و یادآستان و همچنین افکارهای وابسته و گروههای آمریکایی در این جنبه به بهترین وجهی نشان دهنده عمل ضد انقلاب در توطئه میباشد. اینها اجرا کننده توطئه های بزرگیست، دهن توطئه های امپریالیسم و ضد انقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران هستند و همواره آنرا پیاده میکنند.

حزب توده ایران هم مسئولان آگاه جمهوری اسلامی ایران را مخاطب قرار میدهد و هشدار میدهد نگذارند این توطئه گران نقشه های شوم خود را عملی سازند.

رهبری حزب توده ایران و افراد و هواداران با هیچ دسیسه و توطئه ای از راهی که با اعتقاد کامل در جهت پشتیبانی از انقلاب شکوهمند میهنان در جهت مبارزه علیه دشمنان این انقلاب بس کرده امپریالیسم آمریکا برگزیده اند و روگردان نخواهند شد ولی موفقیت اینکه توطئه های ضد انقلاب که بتواند بخشی از نیروهای انقلابی را با ازبچه خود کند و به چنین اقداماتی وادارد مرد بسیاری را از انقلاب مایوس و روگردان خواهد کرد. نگذارند ضد انقلاب شاد گردد. حزب توده ایران امیدوار است که مقامات مسئول جمهوری اسلامی هر چه زودتر این گونه اقدامات انجام دهنده را مهار کنند و با تصمیمات جدی و فوری امکان فعالیت قانونی و آزاد حزب توده ایران را تأمین نمایند.

پنجم = انگیزه پستی و خوارانه و ترس از اقدامات اساسی

ما نیز در تجربیات و یادآستان و همچنین افکارهای وابسته و گروههای آمریکایی در این جنبه به بهترین وجهی نشان دهنده عمل ضد انقلاب در توطئه میباشد. اینها اجرا کننده توطئه های بزرگیست، دهن توطئه های امپریالیسم و ضد انقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران هستند و همواره آنرا پیاده میکنند.

حزب توده ایران هم مسئولان آگاه جمهوری اسلامی ایران را مخاطب قرار میدهد و هشدار میدهد نگذارند این توطئه گران نقشه های شوم خود را عملی سازند.

رهبری حزب توده ایران و افراد و هواداران با هیچ دسیسه و توطئه ای از راهی که با اعتقاد کامل در جهت پشتیبانی از انقلاب شکوهمند میهنان در جهت مبارزه علیه دشمنان این انقلاب بس کرده امپریالیسم آمریکا برگزیده اند و روگردان نخواهند شد ولی موفقیت اینکه توطئه های ضد انقلاب که بتواند بخشی از نیروهای انقلابی را با ازبچه خود کند و به چنین اقداماتی وادارد مرد بسیاری را از انقلاب مایوس و روگردان خواهد کرد. نگذارند ضد انقلاب شاد گردد. حزب توده ایران امیدوار است که مقامات مسئول جمهوری اسلامی هر چه زودتر این گونه اقدامات انجام دهنده را مهار کنند و با تصمیمات جدی و فوری امکان فعالیت قانونی و آزاد حزب توده ایران را تأمین نمایند.

بنا بر اساس این اصل که هر کس که در راه آزادی و استقلال کشور ایستادگی کند...

انقلابیون را در مقابل دشمنان قرار مدهند...

دشمنان را در مقابل خود قرار مدهند...

این توطئه ها را با قوت تمام در برابر دشمنان قرار مدهند...

نامتو مردم

از کان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۹۰
چهارشنبه ۱ مرداد ۱۳۵۹ - شماره ۱۵۵۰ دیال

خواننده عزیز!

بعلت دشواریهای که در کار چاپ نامه مردم، بدنیال تشنات گروههای فشار پیش آمد، متأسفانه نمیتوانیم این شماره را در ۸ صفحه معمولی و با مطالب و مقالات متنوعی که با آنها آشنا هستید انتشار دهیم. همچنین بعضی که وابسته به محور میتهای است که در کار چاپخانهها بوجود آورده اند، مقاله مفصل رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران را که قرار بود روز پنجشنبه چاپ کنیم، در شماره امروز نخواهید

چه کسانی در هجوم به دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و تخریب و اشغال آن شرکت داشتند؟

«جوانان مسلمان جنوب»

چه کسانی هستند؟

افغانهای وابسته به گروههای آمریکایی - افغانی و گروهک ضد انقلابی - مائوئیستی حزب رنجبران، در این توطئه شرکت فعال داشتند

اعلامیه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران بمناسبت حمله و تخریب دفتر مرکزی سازمان: حمله به دفاتر سازمانهای انقلابی، پایمال کردن دستاوردهای انقلاب بزرگ ما و به سود امپریالیسم و ضد انقلاب است

مهمیان عزیز، جوانان و دانشجویان انقلابی!

ساعت ۷:۳۰ بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۳۵۹/۷/۲۰ بمدار سخنرانی آقای هادی غفاری در مسجد امیرالمؤمنین عده ای که در میانشان عوامل ضد انقلاب و عناصر وابسته به گروهک ضد انقلاب «فرتجبران» و ساواکها و عناصر بیگانه میخورد به دفتر مرکزی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات در خیابان نصرت حمله کردند. در جریان این تهاجم وحشیانه تعدادی از آقایان با آجر، چاقو و قلمه شدیداً مجروح شدند.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، بمطابق یکی از سازمانهای بیگانه و عناصر وابسته به گروهک ضد انقلاب «فرتجبران» و ساواکها و عناصر بیگانه میخورد به دفتر مرکزی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات در خیابان نصرت حمله کردند. در جریان این تهاجم وحشیانه تعدادی از آقایان با آجر، چاقو و قلمه شدیداً مجروح شدند.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، بمطابق یکی از سازمانهای بیگانه و عناصر وابسته به گروهک ضد انقلاب «فرتجبران» و ساواکها و عناصر بیگانه میخورد به دفتر مرکزی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات در خیابان نصرت حمله کردند. در جریان این تهاجم وحشیانه تعدادی از آقایان با آجر، چاقو و قلمه شدیداً مجروح شدند.

بقیه در صفحه ۴

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

درباره چند ارزیابی نادرست و پیامد

نامه «مردم» هر هفته روز پنجشنبه یکی از مقالات تحلیلی منتشره در ماهنامه «دنیا» نشریه سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران را به چاپ میرساند.

امروز سمرقانه شماره چهارم سال ۱۳۵۹ را زیر عنوان «درباره چند ارزیابی نادرست و پیامدهای خطرناک آن برای انقلاب ایران» نوشته رفیق نورالدین کیانوری - دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران - میخوانید. شایان تذکر است که این مقاله در هفته اول تیرماه گذشته شده است.

انقلاب شکوهمند مین ما در نبرد طولانی توانست رژیم استبداد سلطنتی وابسته به امپریالیسم راسنگون کند، ضربه‌های کمرشکنی بر پایه های اجتماعی این رژیم وارد سازد و شرایط را برای برپا ساختن حاکمیت خلق فراهم آورد. اکنون نزدیک به یکسال و نیم از این پیروزی تاریخی می‌گذرد و همه مردم ایران شاهد آن هستند که امر ریشه کن ساختن رژیم راسنگون شده و طبیعت کارساختن جامعه نوین به کنده پیش می‌رود، این کنده‌های هر روز شدت می‌یابد و پیامدهای ناگوار و دردناک این پدیده را مردم بیشتر و بیشتر احساس می‌کنند.

نگفته‌های امام خمینی، رهبر انقلاب ایران در هفتم تیرماه ۱۳۵۹ بازتاب پرورد این واقعیت بود.

تردید نباید داشت که ادامه چنین وضعی خطرات عظیمی را برای انقلاب در بردارد. هم اکنون دیده می‌شود که ضدانقلاب از بی‌بوشی دوران اولیه پس از شکست پیروز آمده صفوف نیروهای اصلی خود یعنی ساواکها و افسران سرسپرده رژیم طاغوتی و بقایماندگان و بازماندگان سرمایه‌داران و بزرگسالگان وابسته را به موازات نیروهای باقیمانده خود یعنی اوباش و بیابگیران و مروجین مواد مخدر و نشاء و فحش و جنایت و سایر فاعلان اجتماعی سازمان می‌دهد و با تبلیغات گسترده‌ای از درون پیروز کشور، مابصر صدها میلیون پول برای وارد آوردن شربه در لحظه مناسب آماده می‌سازد.

توده‌های میلیونی زحمتکشان شهر و روستا، هم آن‌ها که با تیرد دلیرانه و جانفشانی خود یا قربانیان پیش از شکست هزار از برادران و فرزندان خود انقلاب را به پیروزی رساندند یعنی همه آن‌ها که بنا به گفته امام خمینی با مبارزه تاریخی خود دولت‌مردان کنونی را به مقام حاکمیت کشور رساندند، هر روز ناراضی‌تر و از انقلاب ناامیدتر می‌شوند.

دشمنان انقلاب ایران، یعنی امپریالیست‌ها به سرکردگی آمریکا، دارو دوسته رژیم طاغوت و به‌طور عمده طبقات اجتماعی کلان سرمایه‌داران وابسته و بزرگان مالکان باهمراه می‌کشند که از این ناخوشنوی روزافزون مردم به سود هدف‌های خود استقرار مجدد رژیم طاغوتی و واپس‌نشانی طاغوتی یعنی رژیم می‌خواهند که در محتوای خود رژیم طاغوتی باشد مانند رژیم شاهنشاهی در پاکستان و یا سادات در مصر بهره‌گیری کنند. این است واقعیتی که غیر قابل انکار است. در وجود این واقعیت بحث نیست، بحث در این باره هم نمی‌تواند باشد که مسئول این وضع چیست؟ مسلماً مسئول این وضع شورای انقلاب و شاهه‌ای انقلابی هستند که از فرادای پیروزی انقلاب قدرت حاکمه را در کشور دوست داشته‌اند و پشتیبانی کنونی رژیم مردم و رهبر انقلاب، امام خمینی پلانتان‌خیز خود را برپا دارند درگفتار امام خمینی (روز هفتم تیرماه) هم روی این نکته یعنی مسئولیت مستقیم شورای انقلاب و در ماه‌های اخیر رئیس جمهور درباره همه کمبورها تاکید شده است و حزب توده ایران این ارزیابی امام را در تمام ابداش تایید می‌کند.

با پذیرش این دو واقعیت یعنی وجود کمبورها یعنی وجود کیبورها در عمل و در مسئولیت حاکمیت در این کمبورها یعنی وجود این پرسش پیش می‌آید که چرا چنین وضعی در حاکمیت کنونی انقلاب ایران حکمفرما است؟ ریشه واقعی این پدیده در کجاست؟ به نظر ما این پدیده دردناک و ریشه‌های گوناگونی دارد و در میان این ریشه‌ها دو ریشه دارای نقش تعیین کننده است. یکی ریشه میانی که همان موضع‌گیری طبقاتی اعضاء شورای حاکمیت کنونی است و دیگری ریشه اصلی یعنی شناخت نادرست و ارزیابی‌های نادرست از واقعیت‌های اجتماعی کشور و جهان.

در دستگاه حاکمیت ایران پس از انقلاب به‌طور عمده سه بخش شرکت و نقش تعیین کننده داشته‌اند: بخش روحانیت مبارز دوران ایران، بخش لیبرال‌های ایران و بخش و صنعتگران از آمریکا و اروپای غربی رسیده. از لحاظ وابستگی‌های طبقاتی این بخش دوم و سوم به طرعمده وابسته به بورژوازی لیبرال و انتشار مرگه بینایی جامعه هستند. در حالی که روحانیت مبارز و نیروهای پیرو آن که در کمیته‌ها و سپاه پاسداران و سایر نهادها مشغول شده‌اند از طبیف وسیع‌تری به‌وجود آمده است که نمایندگان بورژوازی لیبرال در یک سوی این طبیف و مبارزان خلقی و ضد سرمایه‌داری در سمت دیگر آن و گروه‌های وابسته به انتشار گوناگون بینایی جامعه در میان این دو گروه جای گرفته‌اند.

در دوران حکومت دوگانه، دولت مهندسی بازگان که از نمایندگان بخش دوم و سوم ترکیب یافته بود قدرت به‌طور عمده در دست لیبرال‌ها بود و حتی جاسوسانی مانند امیرانتظام‌ها و عناصر وابسته مانند ایزدی، اردلان، مولوی، نوبه، مقدم مرافعی و قیصر در میان آن‌ها جای گرفته بودند. دوشورای انقلاب که ترکیبی از هر سه بخش بود به‌طور عمده نمایندگان بخش اول یعنی روحانیت مبارز نقش تعیین کننده را در دست داشتند.

به این ترتیب در دوران دستگاه حاکمیت انقلابی که اکنون یکسال و نیم است تمام قدرت و در دست دارد و بر همه نهادها و انقلاب و دولت سرپرستی می‌کنند و مسئول تعیین سیاستها و وضع قوانین برای ریشه‌کن ساختن نظام سرنگون شده و به پاساخن نظام نوین است. از همان آغاز در عمده‌ترین مسائل مربوط به سرنگشت انقلاب اختلافات و تناقضات شدید وجود داشته است. این اختلافات و تناقضات به هیچوجه مربوط به مسائل فرعی و درجه دوم نبوده بلکه اساسی‌ترین جهات سیاست داخلی و خارجی کشور و انقلاب را دربر می‌گرفته است. موضع‌گیری سازشکارانه و تسلیم‌طلبانه دولت گام‌به‌گام در برابر امپریالیسم آمریکا و سرمایه‌داری بزرگ وابسته به امپریالیسم که منجر به عدم سرمایه‌داری ایران و مملکات با برزیل‌بستگی برای تدارک یک همکاری «نوین» بین ایران و آمریکا گردید، با موضع‌گیری جناح‌خلق حاکمیت که به پیروی از خط امام خمینی خواستار ریشه‌کن ساختن هرگونه وابستگی به امپریالیسم و به ویژه به امپریالیسم آمریکا و محدود ساختن فارگیری سرمایه‌داران و بزرگسالگان است، تناقض و برخورد شدیدی داشته است. این تناقض و برخورد هنوز به‌شدت سابق وجود دارد و مهم‌ترین عامل فلج کننده همه نهادها و انقلاب است. با وجودی که با برکناری دولت‌مهندسی بازگان، انتظار می‌رفت که این تضاد به‌طور جدی به‌سود سمت‌گیری خلقی و انقلابی حل شود و در این راه پیش‌رو، زندگی ماه‌های اخیر نشان دهنده این واقعیت است که بورژوازی لیبرال هنوز مواضع بسیار مستحکم و در دستگاه اداری دولت و در هیئت دولت فاکتور و رئیس‌دولت دوست دارد و به هیچ‌تیمت حاضر نیست بدون مقاومت سرسختانه این مواضع را از دست بدهد. ریشه میانی فلج بودن دستگاه دولتی دوهمین جا است. هنوز انقلاب بدون این دستگاه رسوخ نگرفته است. بخش عمده این دستگاه طاغوتی است و آنچه هم که تغییر پیدا کرده به دست لیبرال‌ها افتاده است. انقلاب نتوانسته است ماشین دولتی اجتماعی و طاغوتی‌رایشکنند، تا هنگامی که دستگاه اجرایی

و قانون‌گذاری و قضایی کشور در عقب و پهنای معنای واقعی خصومیت طاغوتی خود و از دست ندهد و خصومیت انقلابی به‌خود تکبیر این فلج مرادآور علاج‌پذیر نیست. این است عامل عمده، عامل تعیین کننده و عامل مینی: تاثیر فلج کننده بورژوازی لیبرال ایران. بر این عامل تنها در یک نبرد طبقاتی با تکیه به نیروی محرومان جامعه و در درجه اول کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان شهر و روستا می‌توان چیره شد. اگر انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما در این نبرد پیروز نشود، سرمایه‌داری خود را تثبیت خواهد کرد و با تثبیت خود وابستگی به دنیای سرمایه‌داری یعنی دنیای امپریالیستی را دوباره عمده خواهد آورد و نومی از «استقلال» ضیاءالحقی که هم اکنون مورد ستایش وزیر خارجه انقلاب اسلامی ایران است، با همه زنجیرهای اسارت و زردگی‌اش به مردم ایران تحمیل خواهد کرد.

این که چرا بورژوازی لیبرال ایران توانسته است چنین جنبش عظیم انقلابی خلقی را فلج کند و گسترش آن را رزم کرده و کتسازده محصول مجموعه شرایط دولتی انقلاب ایران است که در بحث‌های مکرر ما مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بدون شک وجود تفرقه و دشمنی در میان نیروهای سیاسی خلقی که به طرعمده محصول زاین بودن تجربه سیاسی مبارزان راستین و نقش خرابکارانه ناقراکتان است، تاثیر زیادی در پیدایش این وضع یعنی تحکیم موضع لیبرال‌ها داشته است. این عامل ذهنی در دو سطح وجود دارد و اثرات منفی بسیار دودآوری از خود به‌بار آورده و هرروز بیشتر به‌بار می‌آورد. یکی در سطح دون خلق، در میان صفوف مبارزان انقلابی و توده‌های محروم و دیگری در سطح حاکمیت انقلاب، در سطح آن بخشی از حاکمیت که به طرعمده طبیعی در مواضع خلقی و ضد امپریالیستی انقلاب قرار گرفته و خواستار نامین خود جنبه استقلال ملی و درگونی‌های اجتماعی به‌سود محرومان جامعه است.

درباره نقش مغرب و زبان‌بخش شناخت‌های نادرست و موضع‌گیری غلط‌نمایی از آن طرف گروه‌های مبارز، ما تاکنون به‌کرات بحث کرده‌ایم. در این مقاله تنها به ارزیابی‌های نادرست جناح خلقی و انقلابی در حاکمیت کنونی ایران می‌پردازیم. به نظر ما این ارزیابی‌های نادرست دوامه زمینه‌ها دیده می‌شود: هم در سیاست داخلی، یعنی در زمینه راه‌های ضروری برای ریشه‌کن ساختن بقایای رژیم طاغوتی و ایجاد نظام خلقی، هم در زمینه اقتصادی برای پایان بخشیدن به اقتصاد وابسته و زیرساختن اقتصاد مستقل و خلقی و هم در مبارزه علیه امپریالیسم در ایران، در منطقه و در سراسر جهان. ما می‌خواهیم عمده‌ترین این ارزیابی‌های نادرست و پیامدهای خطرناک آن را در انقلاب ایران مورد بررسی قرار دهیم.

در زمینه سیاست داخلی

۱- درباره مبارزه برای ریشه کن ساختن ستون پنجم رژیم طاغوت

رژیم وابسته استبداد سلطنتی درم شکست گردانندگان و کارگزاران آن بخشی فراری و بخشی میبازارت شدند و بخش دیگر دست نخورده در ایران به‌زندگی خود ادامه دادند. درباره بخشی که در ایران باقی مانده بعد از یک برخورد انقلابی و ماه‌های نخست پس از پیروزی انقلاب، این ارزیابی حاکم شد که گویا با گذشت و اغماض، با ارشاد و بزرگواری می‌توان جانوران سرسپرده به طاغوت را که یک عمر در نوکری و میبودیت از یک سو و جنایت و فزندی و رشوه‌گری از سوی دیگر زندگی کرده‌اند، به مناسبت هوادار و وفادار و انقلاب تبدیل کرد. فراموش شد که «ترتیب نااهل را چون گردگان برگنید است» این ارزیابی نادرست از حاکمیت کنونی نندان، مستکاری بود بر دامرمان، در نتیجه این ارزیابی نادرست از معرک ساواک‌ها خودداری شد، برای زده‌ها هزار ساواکی که اکنون ارتش مخفی ضد انقلاب را تشکیل می‌دهند مغر عمومی دست‌وپا شده ارتش، ژاندارمری و پلیس به‌طور عمده در دست همان افسران طاغوتی زده و سرسپرده باقی گذاشته شد و به ویژه در ادارات دولتی تنها به برکنار کردن گروهی از بنده‌ترین و متضجرترین دست نشاندهگان رژیم طاغوتی اکتفا شد. ستاره‌روها و وزیران و نمایندگان مجلس‌های طاغوتی که اکثریت مطلقشان در تمام جنایات دوران ۵۰ ساله حکومت خاندان جنایت و فاعلگری شرک و مبرمی بوده‌اند مورد مغر قرار گرفتند آزاد شدند و آزادانه فعالیت ضد انقلابی را در پیش گرفتند.

امروز مقامات حاکمه خود احساس می‌کنند که ضد انقلاب هر روز هاتر و جسورتر و متجاوزتر می‌شود. مگر این ضد انقلاب که سازمان می‌یابد قیسراژ همان ساواکی‌ها، افسران سرسپرده، بازماندگان فراری‌ها و جنایتکاران رژیم طاغوت هستند؟ هرگز و این ضد انقلاب که کشف می‌شود معجزاتی از همین عناصر را نشان می‌دهد. حتی گریه‌هایی منتشر می‌شود دایر بر این که صدها از همین عناصر سرسپرده و گراگ های دیوبست پیش رفته در مهم‌ترین پست‌های تهمداری نظام انقلابی به کار گرفته شده‌اند. این که لیبرال‌ها برای چنین سیاستی سینه چالاه دهند تصحیح‌آور نیست آن‌ها هیچوقت چیزی جز رژیم وابسته سلطنتی، منتها بدون «استبدادش» نمی‌خواهند. ولی تصحیح ما از عناصر ضد امپریالیست و خلقی است که از چنین سیاستی پشتیبانی می‌نمایند.

رویدادهای ماه‌های اخیر، توطئه‌هایی که در ارتباط با تجاوز نظامی آمریکا در طیس قرار داشته توطئه گروه‌های ضد انقلابی در سطوح گوناگون ارتش که گوشه‌هایی از آن در گردستان و در ارتباط با حادثه طیس برملا شده است، گسترش فعالیت‌های تفریبی و همکارگری، آتشزدن غرم‌ها، توسعه تبلیغات دانه‌دند ضد انقلابی در میان مردم همه نشان دهنده این واقعیت هستند که این ارزیابی نادرست از ماهیت نیرو های ضد انقلابی و امکانات آنها چگونه می‌تواند پیامدهای خطرناک برای انقلاب داشته باشد. هواداران راستین و همشیران انقلاب ایران هشدان می‌دهند و هشدار می‌دهند و امیدوارند که این هشدارها به موازات واقعیت و مسئولیت چوچوری اسلامی و متوجه ژولفا و پهنای خطری که انقلاب را تهدید می‌کنند بنمایند.

۲- درباره شناخت نیروهای هوادار انقلاب و دشمنان آن

ارزیابی نادرست روحانیت مبارز خلقی از نیروهای هوادار انقلاب و دشمنان آن، از شناخت نادرست ماهیت اجتماعی - سیاسی این انقلاب ریشه می‌گیرد. درست است که انقلاب مین ما به‌طور عمده در چهار چوب اسلام انقلابی کاملاً خمینی بنیاده آن است انجام گرفته و ولی تردیدی هم نمی‌توان داشت که این انقلاب در همین چهارچوب عمده هم دارای محتوای بدون چون و چرا سیاسی واجتماعی بوده است. بررسی واقعیت‌ها و غیر مرضانه در این باره ما را به این نتیجه می‌رساند که: نخست، همه آن کسانی که به‌اسلام به‌عنوان دین عقیده دارند با این تعبیر امام خمینی از ابعاد اجتماعی - انسانی اسلام موافقت ندارند. ما مسلمانان «متعهد» بی‌شاری می‌باشیم که به‌هدف‌های انقلاب ایران اعتقاد نداشته و امروز هم اعتقاد ندارند. این از اسلام چیز دیگری می‌فهمند. آن‌ها برای مبارزه محکم کم سفر حج رفته و هرگز قرائن مذهبی را فراموش نمی‌کنند و حتی از ۱۰۰ میلیون تومان درآمد سالیانه‌اش حاضر است چند میلیون (البته بسیار ناآداست) به‌عنوان «خمس» و چند میلیون به‌عنوان «زکوٰه» بپردازد، اسلام را فری از اسلام آن پاسدارانی می‌فهمد که از مبارزه دهقانان بی‌زمین برای بازگرفتن حق غارت شده خوششان از بزرگسالگان پشتیبانی می‌کنند. آن‌ها قرائن که به‌قول امام خمینی اثر مهربان‌زیربشایش‌گیره گذاشته است با انقلاب ایران دوست به‌عقل این که این انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی است و با لغارت بی‌بندوبار سرمایه‌داران در ستیزاست مخالفت می‌ورزد، از سوطه حزب چوچوری خلق مسلمان پشتیبانی می‌کند، برای تحریک و توطئه و همکارگری پول می‌دهد، و هرشب هنگام «نماز» از خداوند استعاضا شکست انقلاب ایران را می‌نماید.

ولی در مقابل هستند صدها هزار مبارز توده‌ای و انقلابی که حاضرند برای هدف‌های

انقلاب ایران جان خود را فدا کنند و همه توانایی و استعداد خود را فدا کنند و بگذارند. کنار گذاشتن این نیروی عظیم که بدون تردید در حال رشد است از صفوف مبارزان برای تهمداری، تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب، سود انقلاب نیست.

یکی از مهم‌ترین گوشه‌های دشمنان خارجی و داخلی انقلاب ایران، در یادداشت برترتسکی قید شده بود ایجاد اختلاف و سوء ظن بین نیروهای هوادار انقلاب ایران است.

اگر ما می‌بینیم که برخی از «میلیون» انقلاب اسلامی در مجامع عمومی و یا سرزبان‌ها کار دشمنی با نیروهای مترقی‌باپه‌جایی رسانده‌اند، که سازمان آزادیبخش فلسطین به‌همبری یا سرعمرات و به‌این دلیل که از خود با خواری و کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیستی و کارگری برخی در زمره دشمنان انقلاب اسلامی ایران و رژیم‌های وابسته به امپریالیسم در ادبیکستان و ترکیه جزء حامیان انقلاب ایران معرفی می‌کنند، خود را در این که نمایندگان آزادیخواه انقلاب لیبرال در حاکمیت راهانه چنین سیاستی را جای تصحیح نیست. این که شخص آقای قطب‌زاده، از آقاشاهی پهنی ایران پاکستان را بهترین متحد تشعه و نظریات سیاسی خودیداند جای تصحیح است. ولی این که وزارت خارجه انقلاب ایران، انقلابی که اردشیر زاهدی بیرون انداخته است، به‌این انحاد باارمیراهمراه اردشیر زاهدی را اصطلاح اسلامی از قبیل مصر، پاکستان، مرستان سعودی امراتک، افریقا به‌خود ببالد، این جای تصحیح است.

به‌نظر ما این پدیده دردناک محصول ارزیابی نادرستی است که در انقلاب اسلامی در میان روحانیت مبارز که در حاکمیت کنونی نقش تعیین کننده را دارد و در میان روحانیت وابسته به امپریالیسم و در چهارچوب آن اسلامی که امام خمینی معرفی است صورت گرفته است. مسلمانان متعهد، دشمنان سرسخت و آشتی ناپذیر دارد و در میان نیروهای دیگر پشتیبانان فداکار و ازخود گذشته. بخش مهمی از گفتار امام خمینی «خسبه» خردنامه به‌همین دشمنان «مسلمان» انقلاب اسلامی و اسلام انقلابی داشت. امام در این گفتار روحانیون دو طبقه و «مسلمانان» کبره به‌شماره نامسلمان را انشا نمود و نشان داد که از تاج‌به‌این حامیان دو طبقه انقلابی ایران چه زبانه‌های جبران ناپذیری به‌انقلاب ایران وارد می‌آید و چگونه کردار و رفتار خود آب به‌آسیاب دشمنان انقلاب می‌ریزند.

درباره این دوستان دوفین خیل وسیع و آگاه هواداران راستین و طیفی قرار گرفته‌اند که دوستان واقعی انقلاب ایران هستند و از دست گزانه‌های ضد امپریالیستی و خلقی آن‌ها چنگ‌زدن تهمداری می‌کنند. دشمنی که با برچم هواداری از سوسیالیسم علمی مدهای از جوانان و در اقدامات ضد انقلابی شرکت می‌دهند ولی نقش ایشان مانند نقش است که امام خمینی به‌آن‌ها اشاره کرده است، همان‌هایی که اکتب گورنه کشور بجز خود آورده و زیر پرچم اسلام انقلابی «اسلام و انقلاب» درون ایران فاعلگری اجتماعی را پیاده می‌کنند.

هواداران راستین سوسیالیسم علمی که اکنون ۶۰ سال است در پیروزی و مبارزه با امپریالیسم، علیه طبقات حاکمه وابسته علیه استبداد و برادری و سالیونیم به این طرف علیه سبیه‌های امپریالیسم و بازماندگان رژیم طاغوتی می‌جنگند از باوقارترین و مطمئن‌ترین نیروهای مبارز انقلاب ایران هستند. تحکیم و گسترش آن می‌تواند، این نیروها را به‌حسابه نیروهای پیروزی‌آورند ارزیابی نادرستی است. بر پایه این ارزیابی نادرست است که در مطالبه گسترش می‌یابد، حاکم دوستان نیروهای متضجر می‌شود که این ارزیابی نادرست است. بیشتری پیدا می‌کنند. نتیجه عملی این ارزیابی نادرست این است که می‌شود و ضد انقلاب توانا تر و اتا تر.

یکی از پیامدهای این ارزیابی نادرست واقعیت خلقی است که آن هستم: در ادارات دولتی سرسپردگان آریامهری و ساواکی‌های به‌نام «اسلام» عناصر و اما انقلابی و هوادار استوار انقلاب چوچوری اسلامی «چپ» شکار می‌کنند و بهترین متخصصین علاقمند به‌بازسازی و توسعه اقتصاد را از کار برکنار می‌کنند و سطله به‌ریب‌ب خود و آریای خلق ساخته‌اند. دولتی برقرار می‌سازند.

هواداران راستین و آگاه انقلاب ایران امیدوارند و انتظار دارند که به‌موازات تجارب ارزنده و آموزنده ماه‌های اخیر و به‌ویژه تجزیه و تحلیل امپریالیسم از سبب خطرناک دشمنان خارجی و داخلی انقلاب موجب شود که این پدیده به‌سود تحکیم انحاد نیروهای انقلابی جدید نظر به‌عقل آید.

۳- درباره هموار ساختن راه دگرگونی های بنیادی در نظام اقتصادی کشور

یکی از عمده‌ترین هدف‌های انقلاب ایران درم شکست نظام فاعلگری این است طاغوتی و جانشین ساختن آن نظامی مادلان‌بر پایه نابودی استبداد رژیم امپریالیسم است. محمترای طبقاتی نظام اقتصادی دوران استبداد سلطنتی بنیادی و عمده دارو دوست‌های بزرگترین غارت‌ها را می‌کردند. این غارت تنها یک چاره‌اندیشی اقتصادی طاغوتی بود. چاره دیگر و پایه آن نظام، غارت بی‌بندوبار کل سرمایه‌داران و بزرگان مالکی بود که با استفاده از رژیم اختناق سیاسی مکنی به‌سود و فاعلگری قرار می‌پس، هم ثروت‌های عظیم ملی و هم بخش عمده کارواندگان و نشاندهگان زحمتکشان شهر و روستا را چپاول می‌کردند و بخش عمده آن را به‌منافع خود می‌بخشیدند. میلیاردها به‌بانک‌های کشور های امپریالیستی منتقل می‌کردند و بخش عمده این برای زندگی طاغوت و ازخود برای ساختن قصرهای ۱۰۰ میلیون تومانی طبقات سبلا می‌کردند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متعهد شده است که این غارت فاعلگری پایان دهد. این تعهد قابل ستایش است. ولی در عمل ما شاهدیم که این غارت باسج این پرسش و از زبان پرسش‌گزاران امام می‌شنویم: «پارامه‌های این غارت بخش‌های اقتصاد کشور و اردوست دارد هنوز بازار طاغوتی است. مردم به‌سود بخش‌های بنگاه مستضعفان که دارای بی‌حد و حصر طاغوتیان و اردوست گرفته‌اند. بخش‌های بنگاه مستحکم در آمده باشد می‌شود که همه کارهای کشور خوب‌بندوبار می‌شود. ما می‌خواهیم به‌طور عمده در دست طاغوتیان باقی‌مانده است و این دستگاه به‌سود می‌شود که هیچ کار اساسی در کشور به‌سود محرومان جامعه انجام نگیرد. پدیده دردناک در کجاست؟ مسلم است که این ریشه وارد توجه از امپریالیسم سرمایه‌داری بزرگ وابسته ایران جستجو کرد که با وجود ضربه‌های ستر امپریالیسم و یگرش وارد شده هنوز سنگ‌های عمده‌ای وارد دست دارد. ولی چرا امپریالیسم و هیوران انقلاب اسلامی همیشه ماهیت ضد سرمایه‌داری این انقلاب را به‌سود می‌کنند؟ سرمایه‌داری بزرگ و وابسته تجاری ایران توانسته است در انقلاب ضریان‌های حیاتی زندگی اقتصادی ایران را مانند گلشه نگذارد و با لغارت هست و نیست زحمتکشان سوده‌های میلیاردها به‌سود می‌کند. این که جناح بورژوازی لیبرال حاکمیت کنونی، این وضع را تصحیح نمی‌کند، نمای تصحیح نیست. این که دولت آقای بازگان و وزیر بازرگانی این تقویت نمایند تصحیح‌آور نیست. آن‌ها خلاف مقتضات خود و هدف خود، کار انجام نمی‌دهند، ولی از این که شورای انقلاب، انقلابی علیه و طرف نشاء که در نظر مادر مورد آن بخش از حاکمیت که احتمالاً هوادار مطرور و رفیقای ام فاعلگری می‌بیند و بار سرمایه‌داری است، ولی در راه این محدودگر و زحمتکشان انجام نمی‌دهد، عامل شناخت و ارزیابی نادرست از وجود و عمل طبقات سرمایه‌داری غارت‌گرا است. بسیاری از اعضاء حاکمیت کنونی هوادار و خواستار امپریالیسم

از برای اتحاد سوسیالیست

اعلامیه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

بیته از صفحه ۱
 دعوت کرد که در این یکبار مقدس فعالانه شرکت کنند. بهنگام وقایع دانشگاهها که عوامل ضد انقلاب - از مواضع دستچوب نمایانه - می‌کوشیدند محیط آموزشی را دستخوش آشوب و هرج و مرج ساخته و زمینه را برای تهاجم امپریالیسم فراهم آورند؛ سازمان ما نخستین سازمان دانشجویی بود که از آغاز یکپارچه به اتخاذ مواضع صحیح و واقع‌بینانه دست یازید و صراحتاً بمنظور جلوگیری از هر نوع تشنج و ناآرامی در دانشگاهها کلیه دفاتر خود در دانشگاهها را تعطیل اعلام کرد.

سازمان ما پس از تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا با انتشار اعلامیه‌ای خطاب به مردم و جوانان قهرمان ایران از آنان خواست که:

«به ندای وحدت امام گوش فرا دهید» «دور مسلک یا هر گروهی» «هستید از اختلاف و تفرق و کارشکنی برای یکدیگر» دست بردارید؛ همه را از غیر عمده تشخیص دهید و به جای نزاع‌های شخصی و گروهی، همه پام در پیچه متحد خلق ملیه امپریالیسم بسردرگی امپریالیسم آمریکا متحد شوید. اوتش ۲۰ میانیون را که بهیچ‌کند و آمادگی خود را برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران اعلام نمائید.» (اعلامیه مورخ ۱۳۵۹/۷/۱۲)

پدنیال توطئه کودتای اخیر امپریالیسم ضد انقلاب داخلی، سازمان ما از همه اعضاء و هواداران و همه جوانان و دانشجویان مترقی خواست که: «با تمام نیرو باستاند هماهنگی خشن‌سازی توطئه همکاری کنید و مقامات مسئول را در مقام مقدس ورشکند ساختن توطئه‌گران یاری رسانید.» (اعلامیه مورخ ۱۳۵۹/۷/۱۲)

چای بسی تاسف است که برخی افراد نظیر آقای هادی غفاری که در سمت نمایندگی مجلس نیز قرار داده، بجای ایجاب‌نهی بر اقدامات چنین سازمانهایی که تداوم فعالیت ملنی آنها ضامن تکمیل اتحاد همه نیروهای خلقی دنیورد سرنوشت‌ساز و در شرایط حساسی کنونی است، می‌کوشند با اقدامات غیر مسئولانه و انحرافی به‌جای پدیدتشی تشنج و درگیری دامن زدن و بافتنخار فرمان محله به دفاتر سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران و حزب‌توده ایران را صادر می‌کنند. (روزنامه جمهوری اسلامی - ۱۳۵۹/۷/۲۱)

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران صراحتاً اعلام می‌دارد در شرایط کنونی که امپریالیسم جهانی بسردرگی امپریالیسم آمریکا بجاری همه متحدین داخلی و خارجی خویش گسسته‌ترین توطئه‌ها را علیه انقلاب ایران تداوم دیده است، دولت جمهوری اسلامی ایران باید تمام نیرو و توان خود را در جهت حفظ و تکمیل اتحاد همه نیروهای خلقی، ضد امپریالیسم و مومربه انقلاب منطوف دارد. تاریخ مسئولیت پس‌سنجینی به عمده همه نیروهای انقلابی ایران نهاده است و چه بسا هر اشتباه و انحراف آنان هم‌مدف غیانت در تاریخ ثبت شود.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران صراحتاً اعلام می‌دارد که در این شرایط حساس، چنین اعمالی تنها و تنها بسود امپریالیسم ضد انقلاب است که تمام نیروی خود را در جهت ایجاد تفرقه، تشنج و ناراضی در جامعه ایران بسیج کرده است.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران شدیداً اعتراض خویش را نسبت به این یورش و خبیثانه اعلام می‌دارد و علیه این اقدامات اعلام جرم می‌کند و از دولت جمهوری اسلامی ایران و مسئولین امر می‌طلبد که نسبت به دستگیری و مجازات عوامل این یورش‌ها و هرج و مرج‌ها - که در نهایت بسود امپریالیسم ضد انقلاب است - اقدام نمایند و هر چه سریعتر نسبت به استرداد دفتر مرکزی این سازمان و اموال موجود در آن عمل کرده و بدینسان شرایط را برای تثبیت فعالیت‌های تفریق‌کننده ما فراهم آورند.

هموطنان عزیز، جوانان و دانشجویان انقلابی ایران!

در این شرایط حساس و سرنوشت‌ساز مینهن عزیز ما که انقلاب در معرض خطر جدی توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم و عمال خارجی و داخلی آن قرار دارد، در جهت حفظ، تکمیل و گسترش انقلاب شکوهمند مردم ایران و دستاوردهای آن را نباید آبی فراموشی کرد. بکوشیم تا با تکمیل اتحاد خود دسیسه‌های امپریالیسم ضد انقلاب در جهت ایجاد تفرقه، تشنج و درگیری را نقش بر آب سازیم.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران
 ۱۳۵۹/۷/۲۳

پدیده‌های بحرانی و مبارزات رختکشان در کشورهای سرمایه‌داری

کشورهای سرمایه‌داری غربی که بر اثر بحران‌های ملاح ناپذیر اقتصادی، مانند تورم، بیکاری یا کساد، فقر روز افزون بوده‌ها خود را با مبارزه فزاینده و زحمتکشان و یوزب کالگران اروپا روبه‌رو میکنند بیخایل خود، یوزب منحصر به فرد کردن می‌بازند. یوزب به گسترش کلرگری به هرکاری از جمله دوغ و تحریف دست می‌زنند. نمونه این دوغ - پردازها، گزارش‌های چند هفته اخیر خبرگزاری‌های سزودور امپریالیستی و دربار باصطلاح امتصاب‌های کارگری در کشورهای سوسیالیستی است چند هفته پیش خبرگزاری‌های غربی، که اکنون دیگر کوس سوسیالیسم را بر سر هر پام بسندا در می‌آورند، از قول «منابع ناراضی» اعلام کرده بودند که گویا در چند کارخانه انوسیل سازی اتحاد شوروی از جمله کارخانه سازنده کالگران بر اثر کمبود مواد غذایی (اعتصاب کرده‌اند).

اما چند روز بعد حتی‌مدهای از مقام‌های غربی ناچار شدند اعتراف کنند که گزارش‌های «منابع ناراضی» درست نبوده است. دولتهای امپریالیستی که در داخل با مبارزه فزاینده هر چه بیشتر رو برو هستند باصطلاح دست بردار نیستند و این بار از قول «منابع ناراضی» در لهستان اعلام کرده‌اند که در شهر این کشور اعتصاب صورت گرفته است. هدف از بخش ایسین ایپیل ووشن است، امپریالیستها یکی از راههای مطرح کردن مبارزه فزاینده کارگران کشورهای سوسیالیستی، کشورهای سرپا دوغ درباره کشور های سوسیالیستی تشخیص داده‌اند چرا که کارگران کشورها سرمایه‌داری در پس پرده دوغ دهها سال دوغ و تزویر اکنون بتدویر پس‌برنده که کشورهای سوسیالیستی، کشورهای که در آنها زحمتکشان قدرت را در دست دارند با پدیده‌هایی چون بیکاری، کساد، فقر و رت‌انگیز بهداشت و آموزش و تورم بکلی بیگانه‌اند و سطح زندگی زحمتکشان پنا به آمارهایی که حتی مخالفان نیز نمی‌توانند آن را رد کنند بطور منظم بهبود می‌یابد.

اما بورژوازی غرب با بخش اکاذیب دومورد به اصطلاح امتصاب در شوروی و لهستان هدف معینی را تعقیب میکند! می‌خواهد به کارگران خود بگوید از مبارزه دست بردارند. بخوبی روشن است که این تبلیغات و دوغ‌های یوزب هر چه بیشتر افشاء میشود، مبارزه فزاینده کارگران در کشورهای سرمایه‌داری که امتصاب بک میلیون ونیمی چند روز پیش زحمتکشان ایتالیایی تازترین نمونه آن است نشان‌میدهد که زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری که هر چه بیشتر بار فقر و تنگدستی را پرورش خود احساس کرده و در عین حال شاهد فریب‌شدن مشتی زالو صفت وانکل هستند تصمیم گرفته‌اند حقوق خود را بدست آورند و جامعه‌های پناکنند که از پدیده‌های خود شوم نظام سرمایه‌داری در آن آتری نباشد.

قابل توجه رفقا و دوستان گزارش شکر

تقاضا می‌کنیم برای تهیه عکس از محیط‌های روستایی حتی لامکان از حلقه‌های فیلم ۱۲ تا ۱۳ استفاده کنند و یا عکس‌های استفاده شده را در هر فیلم، ذکر کنند. تا بدین طریق خود فیلم که اغلب بیش از نیمی از آن مورد استفاده قرار گرفته فقط با چند عکس هدر نرود و از هزینه ظهور فیلم کاسته شود. اگر امکان دارید عکس پستی‌ده که آسانتر است.

ناوگان عظیم آمریکا تا پیروزی توطئه کودتای ایران در خلیج فارس خواهد ماند

دویدار (هاری ترین) فرمانده ناوگان آمریکایی قیاموس اطلس در مصاحبه با روزنامه «الخلیج» چاپ ابوظبی گفت: «آمریکا در نظر ندارد نیروهای نظامی خود را از خلیج فارس به اقیانوس هند و خاور نزدیک فرخواند و حتی اگر نیروهای خودی از افغانستان خارج شوند نیروهای نظامی آمریکا در این مناطق باقی خواهد ماند.» «این اظهارات ابعاد توطئه امپریالیسم آمریکا را در جهت انقلاب ایران نشان داد و از چهره‌گری آشامی‌ها و «دوستتشی» که تمرکز ظلم‌ترین نیروی دریایی در تاریخ جهان را در برابر گرانهای مین ما بدلیل (!) حضور ارتش شوروی در خاور افغانستان تبریله می‌کنند نقاب بر گرفت.

همه میدانستند که افزایش سریع و بی‌سابقه ناوهای جنگی آمریکا در خلیج فارس و اقیانوس هند بخاطر منافع امپریالیستی و نو استعماری ایالات متحده آمریکا و مدتها قبل از ورود ارتش شوروی بیخاک افغانستان انجام گرفته بود و اینک دولت آمریکا از زبان یکی از سخنگویان نظامی خود اعلام میکند که نیروهای نظامی آمریکا در این منطقه «چا خوش کرده‌اند» و بهیچ‌متوان قصد ندارند منطقه را ودروحه اول ایران، را بحال خود رها کنند.

ناوهای آمریکایی دوکرانه‌های خلیج فارس که چندین هزار کیلو متر دورتر ساحل آمریکاست چه کار دارند؟ باین پرسش تنها در چهارچوب مبارزهای که در جهان، در منطقه و در ایران بین انقلاب و ضد انقلاب بین نظام غارتگر امپریالیسم و خلق‌های ستمدیده در گرفته است میتوان پاسخ داد.

انقلاب ایران تضادهای آش ناپذیر بین سیستم جهانی سوسیالیسم و سیستم جهانی امپریالیسم، بین جنبش انقلابی خلق‌های منطقه خاور نزدیک و میانه و حکومت‌های ارتجاعی کشورهایشان، بین نیروهای انقلابی ضد امپریالیسم و نیروهای ضد انقلابی سرداران سرمایه‌داری وابسته و در ایران راست‌داند داد.

انقلاب ایران مواضع سوسیالیسم جهانی، جنبش انقلابی خلق‌های منطقه، نیروهای انقلابی ضد امپریالیسم مین مارا تقویت کرد. هیچ انقلاب مردمی که انقلاب ایران یکی از شکوهمندترین آنان بود نمیتواند جز این نتایجی به بار بیاورد.

انقلاب ایران امپریالیسم غرب و در رأس آنها آمریکا خونخوار را از صحنه سیاست کشورهای بیرون رانده، به خلق‌های اسیر منطقه امیدواری داد و به نیروهای هوادار سرمایه‌داری وابسته (که سرمایه‌داری در رشد خود وابستگی می‌یازد) ضربه زد و ناکی فرود آورد.

اگر بتوانیم از نقش تنگ ناسیونالیسم و اندیشه‌های استعمارگرانه ارتجاعی، که در جامعه بشری بر حسب نژاد، مذهب، زبان، عقیده و غیره تفرقه می‌انگیزد بیرون آیم و از دیدگاه بلند دانش اجتماعی برخوردار باشیم و پدیده‌های جهان بنگریم می‌بینیم که این تضادهای عناصر مختلف یک روند واحد جهانی ستمدیده حل آن‌ها جز از طریق پیروزی استعمار شونگان بر

استعمارگران امپریالیسم برای آنکه «ایز» به‌گزیه کم شد و ناپختگان سوسیالیسم را فریب دهند می‌کوشند مرز بین دو طرف انقلاب و ضد انقلاب در جهان، در منطقه و در کشور، را آشفته سازند مثلا پاکستان را دوگره دوستان و لیبی وارد صف دشمنان ایران جای دهند، جهان را به‌دنیای «دگر» و «دنیای اسلام» تقسیم کنند که خود بخود بزمانی افراد ایران از پشتیبانی نیرومند جهان سوسیالیسم و بسیاری کشورهای غیر متهم است نیز ایران امپریالیسم که خود این تقسیم را بعمل آورده و مارا ملز در محاصره می‌گیرد می‌کوشد مارا به آنرا و به کشاند.

تمرکز نیروی دریایی عظیم آمریکا در خلیج فارس

درباره چند ارزیابی نادرست و پیامدهای

بقیه از صفحه ۳
 است، به‌جای دیگری متوجه سازد و به این ترتیب فشار روی امپریالیسم آمریکا کم کند و امکانات توطئه‌های ضد انقلابی امپریالیسم را بیشتر سازد. تصادفی نیست که کنفرانس اسلام‌آباد که آقای قطب‌زاده استوار برگزار آن بود، در همان روزهای برگزاری شد که آخرین آزمایش‌های کوشش تانراجم آمریکایی انجام گرفت و بین آمریکا و پاکستان برای استفاده از نیروی آن کشور برای حمله به ایران قول و قرار گذاشته‌می‌شد.

دوم، به‌خواست کشاندن مناسبات ایران با افغانستان به‌طور طبیعی مناسبات ایران و اتحاد شوروی بازتاب منفی بجای خواهد گذاشت و می‌تواند که مناسبات را با پیمان‌های گوناگون به‌دشواری کشانده از این راه‌دوایر تفرقه بیندازد. برزیلکی دو زمینه اهمیت تیره کردن مناسبات ایران و شوروی بود.

سوم، با تیره کردن مناسبات ایران با شوروی و افغانستان (در حد ایران) و باوضی که میان ایران و عراق موجود است، راه‌دوایر برای اضماع امپریالیستی سنتو پشی آمریکا - انگلستان - ترکیه - ایران - پاکستان، که چین هم تکمیل می‌شود، هموار سازد.

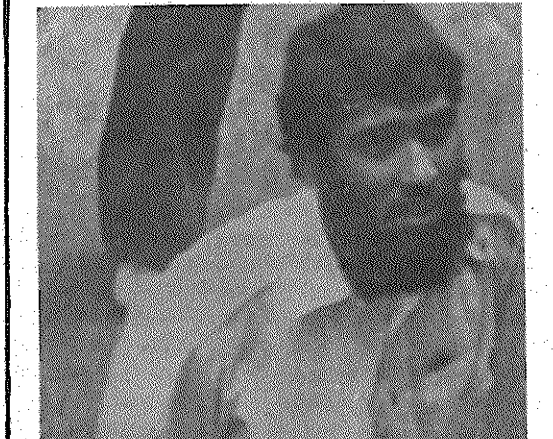
آیا مسافرت وزیر خارجه ایران به یوتان برای «کارهای خصوصی» (که هواکونگ در بغداد و سفیر چین در لوز و تماس‌های بسیار دوستانه ایشان با کینه مامور سیاسی آمریکا دوچار چوبه چنین نقشه‌ای نبوده است) مسلما در جریان تیره کردن مناسبات ایران با اتحاد شوروی عوامل کلیدی تأثیر می‌گذارند. آنچه می‌توان بدون تردید گفت این است که بخشی از تردید انقلابی ایران و یوزب روحانیت مبارزی که مورد احترام ماست در این زمینه اشتباه بزرگی در ارزیابی است. مطابق این ارزیابی چنین تصور می‌شود که است در افغانستان حکومت حزب خلق را برانداخت و به‌جای آن حکومت اسلامی را مستقر ساخت. این اشتباه بزرگ بود و اطلاعات به کلی نادرست. در این زمینه افغانستان و نیروهای فعال در سیاست آن است. در مین حال این تصور نادرست وجود دارد که اگر نظام خلقی در افغانستان تثبیت گردد این امر به‌زیان انقلاب خواهد بود. واقعیت این است که اولاً برانداختن نظام کنونی در افغانستان هم آقای قطب‌زاده دست‌به‌شکر کشی بودند) امکان ناپذیر است و تنها این‌اند که ناوان تر کردن و ضربه‌پذیرتر کردن پیش‌اوپیش انقلاب ایران خواهد انجامید. اگر هم چنین نقشه‌ای بتواند عملی شود، آنچه به‌جای نظام کنونی خواهد آمد، ظاهراً و اویسی‌ها و پالیزیان‌ها و بختیاری‌های افغانستان خواهد بود. ایران دولت‌مدان ایران با موضعگیری خود در مورد ویدادهای افغانستان ملایم‌تر نشسته و با راه‌ای نیز به‌بریدن بن شاخ مشغولند.

به‌همین جهت ارزیابی اشتباه آمیز و بهیری ضد امپریالیستی و خلقی درباره ویدادهای افغانستان و سیاست‌های که بر پایه این ارزیابی در پیش گرفته‌شد، در مراحل پیامدهای خطرناکی برای انقلاب ایران خواهد داشت.

حزب توده ایران با احساس مسئولیت تاریخی خود و با تکیه بر پیروزی‌ها که موضعگیری روشن آن ممکن است برای مدتی خوشایند بسیاری از افراد باشد، حکایت کنونی نباشد و از سوی دیگر از طرف دشمنان انقلاب ایران که در سرتاسر دشمنان حزب مانیز هستند به‌متوان پناه‌تشی‌های ابراهام فشار بیشتر به حزب می‌برند و فرادگیرنده و ولیدمندی و انقلابی خود می‌دانند که درباره مسائل جاری انقلاب شکوهمند میهنمان آنچه را که درست می‌دانند با صراحت بیان کنند. تاریخ آینده کشور ما خودنشان خواهد داد.



کارت عضویت یک «مبارزه» دیگر که در حین حمله به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران بدست آمده



یک افغانی «مبارزه» در حین حمله به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
 «جوانان مسلمان جنوب» چه کسانی...
 قصد کتار ملهون با نفر از مردم ایران برانداختن جمهوری را داشتند و برای فردا توطئه‌های زخمی خطرناکتری را تدارک می‌بینند، اعمال‌کننده که در زیر نام «جوانان مسلمان جنوب» به دبیرخانه حزب توده ایران هجوم می‌برند، تنها زمینه‌ساز تصفیه انقلاب است. هرچه زودتر تدابیر جدی اتخاذ کرد.

انتظار داریم که ستوان ام برای شناسایی و تعقیب و مجازات مجربان توطئه‌های امپریالیسم غربی را داشته و تدارک می‌بینند، اعمال‌کننده که در زیر نام «جوانان مسلمان جنوب» به دبیرخانه حزب توده ایران هجوم می‌برند، تنها زمینه‌ساز تصفیه انقلاب است. هرچه زودتر تدابیر جدی اتخاذ کرد.